

کمک و بیماری هلندی: مدیریت اقتصاد کلان

زمانی که همه شمارا دوست دارند^۱

نویسنده: استفن دی. یانگر

مترجم: رضوان سعیدی پور

خلاصه - کشورهایی که برنامه‌های مهم و پایدار تثبیت اقتصادی و تعدیل ساختاری را اتخاذ می‌کنند باید در انتظار جذب جریانهای قابل توجه سرمایه از جانب کشورهای وام دهنده و مؤسسات بین‌المللی باشند. اگرچه این جریانها به خاطر مفید به نظر می‌رسند اما می‌توانند با سایر اهداف اصلاحات سیاسی در تضاد قرار گیرند. به ویژه فراوانی وام به صورت ارز خارجی می‌تواند سبب افزایش ارزش نرخ واقعی مبادله گردد (اغلب از طریق تورم داخلی و نه افزایش ارزش اسمی). به علاوه، از آنجا که ثریباً همواره دولت دریافت کننده این وامهاست، می‌تواند در صورت افزایش تقاضای کل، خود برای کالاها و خدمات داخلی سبب خروج بخش خصوصی گردد. در صورتی که خروج بخش خصوصی ناشی از سیاست انقباضی پولی باشد، بیش از آنکه بر مصرف بخش خصوصی تأثیر گذارد، ابتدا سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از آن عمدتاً لطمه خواهد دید.

مقاله حاضر نشان می‌دهد که کشور غنا با هر دو مشکل فوق مواجه بوده است. این کشور پس از اثبات تمهد جدی نسبت به سیاستهای ارائه شده توسط بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول مورد توجه خاص وام دهندگان قرار گرفته است. این مقاله

* Stephen D. Younger, "Aid and the Dutch Disease: Microeconomic Management when Everybody

همچنین برخی سیاستهای اقتصاد کلان را که می‌تواند موجب کاهش تورم و افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی گردد، توصیه می‌نماید.

۱. مقدمه

اخیراً سیاست اقتصادی کشور غنا به حق مورد توجه زیاد قرار گرفته است. طی دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، غنایکی از متمرکزترین اقتصادهای خارج از بلوک شرق را ایجاد نمود و از کاهش مداوم محصول ناخالص داخلی سرانه رنج برد. در سال ۱۹۸۳ خشکالی بزرگ همراه با بازگشت اجباری حدود یک میلیون کارگر غنایی از نیجریه، اقتصاد این کشور را دچار بحران عظیم ساخت، به طوری که مسئولان امور تلاش نمودند با اتخاذ سیاستهای تثبیت اقتصادی و تعدیل ساختاری توصیه شده توسط صندوق بین‌المللی پول (IMF) و بانک جهانی، خط مشی اقتصادی را تغییر دهند. از سال ۱۹۸۳ تا کنون دولت به طور مداوم نرخ ارز را به منظور تشویق صادرکنندگان و آزادسازی قیمت‌ها کاهش داده است. همچنین با استفاده از یک اصلاح موفق، آزادسازی واردات و نیز بازارهای مالی، کسر بودجه را به میزان چشمگیری کاهش داده است (برای توضیح بیشتر در زمینه اصلاحات و نتایج آنها رجوع کنید به: Rimmer, 1990, Alderman, 1991).

نتایج این اصلاحات اقتصادی را می‌توان در ابعاد گوناگون ملاحظه کرد (جدول ۱). محصول ناخالص داخلی و صادرات رشد قابل توجهی داشته است، تورم کاهش یافته، موازنه پرداختها با مازاد مواجه بوده و اقتصادی که به سختی به حیات خویش ادامه می‌داد اکنون به حرکت در آمده است. اما هنوز مشکلاتی وجود دارد، و نوشته حاضر به یکی از این مشکلات اشاره می‌کند.^{۱۱} اخیراً اقتصاد غنا با مشکلاتی مواجه گردیده که در ظاهر متناقض به نظر می‌آیند. به رغم وجود سیاست اعتباری انقباضی و مازاد مالی، تورم در سطح ۳۰ درصد است، و با وجود ادامه اصلاحات در جهت تقویت بازار، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در سطح پایینی قرار دارد. در حقیقت برخلاف ناظران خارجی، مردم غنا صرف‌نظر از نتایج بسیار درخشان اقتصادی، چندان

تمایلی به برنامه بهبود اقتصادی^۱ از خود نشان نمی‌دهند. به اعتقاد من یک عامل مؤثر در این زمینه، حجم قابل توجه سرمایه‌هایی است که از سال ۱۹۸۶ به غنا جریان یافته، و مدیریت دولتی است که سرمایه‌های مذکور را به کار گرفته است.

جدول ۱. برخی شاخصهای اقتصادی برای کشور فئا و صحرای آفریقا

۱۹۸۸-۱۹۸۹		۱۹۸۲-۱۹۷۰		۱۹۷۰-۱۹۶۰		
کشورهای کم‌درآمد صحرای آفریقا	فئا	کشورهای کم‌درآمد صحرای آفریقا	فئا	کشورهای کم‌درآمد صحرای آفریقا	فئا	
۲/۵	۵/۷	۱/۸	۰	۱	۱/۲	رشد محصول داخلی
۲/۲	۲/۱	۱/۶	۰	-	-	کشاورزی
۳/۲	۱۰	۲/۲	-۲/۱	-	-	صنعت
-	-	۱/۲	-۱/۹	-	-	توليدات
۲/۸	۱/۱	۱/۳	۱/۵	-	-	خدمات
-۰/۵	۱/۲	-۰/۲	-۲/۹	۱	-۰/۲	رشد تولید سرمایه‌های داخلی
-	-	-	-	-	-	رشد مصرف و سرمایه‌گذاری
-۱/۷	-۰/۱	۵	۳/۲	۱/۸	۲/۲	مصرف بخش دولتی
-۰/۸	۵/۳	۳	-۱/۳	۲/۶	۱/۷	مصرف بخش خصوصی
-۰/۱	۱۵/۲	۱/۶	-۱/۹	۵/۲	۰/۱	سرمایه‌گذاری داخلی
-	-	-	-	-	-	نیایش تولید
-	۱۹/۱	۱۰/۸	۳۱/۹	۱/۶	۱/۵	شاخص قیمت کالاهای مصرفی
۵۰/۱	۳۱/۱	-	-	-	-	شاخص نسبی محصول داخلی
-	-	-	-	-	-	رشد صادرات و تجارت کالا
۱/۲	۳/۵	-۰/۶	-۵/۳	۹	-۰/۱	صادرات
۱/۹	۱/۶	-	-۱/۵	۱/۲	-۱/۵	واردات
-	-	-	-	-	-	بودجه دولتی (درصد محصول داخلی به استثنای کمکها)
۲۰/۱	۱۱/۹	۱۹/۱	۱۰/۱	۱۲/۲	۱۱/۵	منابع دولتی
۳	۱۲/۱	۱۰	۳/۹	۱۶	۱۵/۱	درآمد جاری

* تنها برای سالهای ۱۹۸۹ و ۱۹۸۸.

منابع: Younger (1989): Table 6.1 of Younger (1989). All data for 1964 and 1965 are from Africa Economic and Financial Data (AFED) (World Bank/UNDP, 1969). 1966-88 data are from World Bank (1991a) and (1991b) except for government budget data which are from AFED for 1966-67, and International Monetary Fund 1985, averages are therefore not (1990). Private and public consumption figures were not available beyond for the period indicated.

علاوه بر توجه اقتصاددانان به این مسئله، برنامه بهبود اقتصادی توانسته است با جلب توجه مجامع بین‌المللی اعتبار دهنده تسهیلات اعطایی آنها را جذب نماید. همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، در پی کاهش کمکهای توسعه در اوایل دهه ۱۹۸۰، بعد از سال ۱۹۸۶ اقتصاد غنا با بهبودی سریع روبه‌رو گردید، زیرا وام دهندگان از آنجا که نتایج بازسازی اقتصادی را به طور حتم موفقیت آمیز می‌دیدند، برای حمایت از آنچه که به اعتقاد آنان نقطه عطفی در سیاستهای اقتصادی غنا به شمار می‌رفت به جرگه حامیان این سیاست پیوستند.^(۲) از این رو میزان کمکها از حدود ۳ درصد محصول ناخالص داخلی پیش از اجرای این سیاست به ۷ درصد محصول ناخالص داخلی در سال ۱۹۸۷، یعنی چهار سال بعد، افزایش یافت. اما در عین حال جریان انتقال سرمایه‌ها به داخل موجب بروز مشکلات ناشی از "بیماری هلندی" برای مدیریت اقتصاد کلان کشور شده است.

"بیماری هلندی" عبارت است از مشکلاتی که از سوی بخش در حال رونق صادراتی برای سایر بخشهای اقتصادی ایجاد می‌شود.^(۳) در مورد غنا بخش رونق اقتصادی، سرمایه حاصل از کمکهاست (یا شاید بازگشت مجدد آن). این کمکها با ورود به اقتصاد به شکل واردات یا کالاها و خدمات داخلی به مصرف می‌رسد. (معمولاً کمکها نمی‌توانند صرف خرید داراییهای خارجی شوند اما جریانهای سرمایه بخش خصوصی به داخل می‌تواند از طریق خریدهای دارایی خارجی خصوصی بی‌اثر گردد. برای توضیح کاملتر درباره بازارهای ارز خارجی و کنترل آن در غنا نگاه کنید به: Younger, 1991). در صورتی که این کمکها صرف واردات گردد، اثر مستقیمی بر عرضه پول یا تقاضای کل در اقتصاد نخواهد داشت؛ موازنه پرداختها، مازاد حساب سرمایه و کسری حساب جاری متعادل‌کننده را نشان خواهد داد. اما هنگامی که تقاضا برای کالاها و خدمات داخلی است مشکلاتی برای مدیریت اقتصاد کلان به وجود می‌آورد. ابتدا، افزایش در تقاضای کل برای کالاهای تولیدی غنا موجب افزایش قیمتها می‌گردد و به این ترتیب به پایداری تورم در این کشور کمک می‌نماید. همزمان، برای خریدهای داخلی، ارز خارجی باید به سدی^۱ (واحد پول غنا) تبدیل گردد و از این رو، پایه پولی افزایش می‌یابد.

جدول ۲. غنا: کمکهای رسمی توسعه (ODA) از تمام منابع، به صورت خالص و هزینه شده

۱۹۸۷	۱۹۸۶	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۳	۱۹۸۲	۱۹۸۱	
(میلیون دلار - قیمتهای جاری)							
۱۲۶۱۰	۱۰۸۵۰	۸۹۸۸	۷۹۸۸	۷۶۸۲	۷۸۲۰	۷۵۶۶	مسرای آفریقا
۱۱۰۷۱	۱۰۰۷۰	۸۹۵۶	۷۹۵۵	۷۶۴۵	۷۷۸۲	۷۵۵۵	سبز نیجریه
۱۰۵۹۲	۹۵۵۱	۷۹۶۲	۶۷۷۹	۶۶۱۹	۶۶۶۲	۶۵۲۷	کشورهای عضو انجمن بین حلقی توسعه
۳۷۵	۳۷۱	۲۰۵	۱۱۶	۱۱۰	۱۵۱	۱۵۸	غنا
(میزان سرانه - دلار آمریکا)							
۱۶/۶	۲۱/۸	۲۱/۲	۱۹/۶	۱۹/۳	۲۰/۶	۲۰/۲	مسرای آفریقا
۲۵	۲۲/۲	۱۷/۷	۲۵/۳	۲۵	۲۱/۳	۱۶/۳	سبز نیجریه
۳۵/۵	۳۳	۲۸/۱	۲۱/۸	۲۵	۲۵/۹	۲۶/۱	کشورهای عضو انجمن بین حلقی توسعه
۲۷/۵	۲۸/۳	۱۶/۶	۱۷/۵	۹/۲	۱۱/۳	۱۲/۳	غنا
(نیم کمکهای در محصول نامهای اصلی - صورت درآمد)							
۸	۷	۵	۱	۱	۱	۱	مسرای آفریقا
۱۰	۹	۹	۸	۷	۲	۷	سبز نیجریه
۱۹	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۹	۹	کشورهای عضو انجمن بین حلقی توسعه
۷	۷	۵	۵	۳	۳	۳	غنا

منابع: World Bank/UNDP (1989).

شروع نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بر اساس موافقتنامه‌های میان غنا و مؤسسات اعتباری بین‌المللی، قدرت پاسخگویی دولت غنا به مشکلات باد شده محدود شده است. نخست، دولت طبق موافقتنامه‌ای که با بانک جهانی داشته با محدودیت افزایش عرضه پول روبه‌رو است، بنابراین باید اعتبارات داخلی را در جهت خنثی نمودن رشد ذخایر ارزی محدود سازد. همان‌گونه که جدول ۳ نشان می‌دهد، داراییهایی که در ارتباط با پایه پولی (در بانک غنا) و عرضه پول قرار دارند، به طور فزاینده عبارتند از داراییهای خارجی. دولت اعتبارات واقعی داخلی را از دوراه محدود کرده است. مازاد مالی اندکی

را جهت بازپرداخت بدهی خود به نظام بانکی به کار گرفته است (زیرا از سال ۱۹۸۹ دولت در واقع یک اعتبار دهنده به این نظام بوده است). و همچنین محدودیت‌های شدید در تسهیلات اعطایی بانکهای تجاری برقرار نموده که به این طریق موجب کاهش بسیار حجم اعتبار در دسترس بخش خصوصی گردیده است. این امر می‌تواند به درک این واقعیت کمک کند که چرا به رغم اصلاحات متعدد در جهت تحویت بازار، سرمایه‌گذاری خصوصی در غنا هنوز در سطح پایینی قرار دارد.^(۴) در حالی که سیاستهای فوق به کاهش رشد حجم پول کمک نموده، اما جریان انتقال سرمایه به این کشور شدیدتر از آن است که بتواند با اعمال این سیاستها کاملاً می‌انزگردد، به طوری که با وجود اتخاذ سیاست انقباضی اعتبارات، افزایش حجم پول و تورم همچنان ادامه دارد (جدول ۳).

۲. گزینه‌های سیاستگذاری

آیا دولت و اعتبار دهندگان بین‌المللی می‌توانند بر سر سیاستهایی که بتواند به نحو بهتری از این جریان فوی سرمایه بهره‌برداری نماید توافق حاصل کنند؟ به نظر من به دو طریق این کار میسر می‌باشد: یکی آنکه تورم بتواند به میزان قابل توجهی کاهش یابد و دیگر آنکه اعطای اعتبارات به بخش خصوصی نهیل گردد. برای درک چگونگی این فرایند بهتر است به ماهیت شوک اقتصادی بپردازیم. مطالعات موجود در زمینه پیامدهای اقتصاد کلان حاصل از رونق بخشها نشان می‌دهد واکنش مناسب دولت بستگی دارد به شرایط موقتی بودن شوکها، مانند رابطه مبادله ناشی از تغییر شرایط جوی، با دایمی بودن آنها، مانند کشف منابع جدید معدنی.^(۵) در مورد شوکهای موقتی، نظریه مصرف دوره زندگی این طور بیان می‌کند که افراد ترجیح می‌دهند منافع حاصل از شوکهای آنی را در طول زمان تقسیم نمایند، به طوری که بخش بزرگی از درآمدهای بادآورده باید پس انداز شود و به این ترتیب چندان نیازی به تغییرات در قیمت‌های نسبی نیست. به ویژه دلیلی برای بالا بردن نرخ مبادله ارزش نمی‌باشد. از سوی دیگر در خصوص درآمدهای دایمی، الگوهای مخارج و قیمت‌های نسبی باید با تغییرات خود بازتاب دهنده تغییر در ساختار اقتصادی موجود باشند. در مورد افزایش دایمی درآمدهای ارزی، برای نشان دادن وفور نسبی ارز خارجی، میزان نرخ واقعی ارز در حالت تعادلی باید افزایش یابد.^(۶)

جدول ۳: شاخص‌های پولی در ایران سه ماهه گزافی در فضا

	۱۹۸۹	۱۹۸۸	۱۹۸۷	۱۹۸۶	۱۹۸۵	۱۹۸۵	۱۹۸۳	۱۹۸۲	۱۹۸۱	۱۹۸۰	۱۹۷۵	۱۹۷۰
سرب گزافی پول												
GDPI (رکب)	o/a	o/a	o/a	o/a	o/a	o/a	o/a	o/a	a/a	u/a	o/a	a/a
GDPI (رکب)	u/a	u/a	u/a	u/a	u/a	u/a	u/a	u/a	u/a	u/a	u/a	u/a
سکونت‌آزمایی	200/a	200/a	200/a	200/a	200/a	200/a	200/a	200/a	200/a	200/a	200/a	200/a
نسبت ذخیره (ب)												
مدخلی نسبت نقدیه مورد نیاز	X11/a	X11/a	X11/a	X11/a	X11/a	X11/a	X11/a	X11/a	X11/a	X11/a	X11/a	X11/a
نسبت واقعی	X20/a	X20/a	X20/a	X20/a	X20/a	X20/a	X20/a	X20/a	X20/a	X20/a	X20/a	X20/a
مدخلی نسبت ذخیره مورد نیاز	X10/a	X10/a	X10/a	X10/a	X10/a	X10/a	X10/a	X10/a	X10/a	X10/a	X10/a	X10/a
نسبت واقعی	X21/a	X21/a	X21/a	X21/a	X21/a	X21/a	X21/a	X21/a	X21/a	X21/a	X21/a	X21/a
رشد سهم پول												
MI	X12/a	X12/a	X12/a	X12/a	X12/a	X12/a	X12/a	X12/a	X12/a	X12/a	X12/a	X12/a
M2	X13/a	X13/a	X13/a	X13/a	X13/a	X13/a	X13/a	X13/a	X13/a	X13/a	X13/a	X13/a
سهم نقد در کل پول												
نقد در شاخص ارزهای خارجی	X22/a	X22/a	X22/a	X22/a	X22/a	X22/a	X22/a	X22/a	X22/a	X22/a	X22/a	X22/a
نقد در شاخص ارزهای ملی	X23/a	X23/a	X23/a	X23/a	X23/a	X23/a	X23/a	X23/a	X23/a	X23/a	X23/a	X23/a
نقد در شاخص ارزهای بیگانه	X24/a	X24/a	X24/a	X24/a	X24/a	X24/a	X24/a	X24/a	X24/a	X24/a	X24/a	X24/a
نقد در شاخص ارزهای بیگانه	X25/a	X25/a	X25/a	X25/a	X25/a	X25/a	X25/a	X25/a	X25/a	X25/a	X25/a	X25/a
شاخص ارزهای خارجی (رکب)	X31/a	X31/a	X31/a	X31/a	X31/a	X31/a	X31/a	X31/a	X31/a	X31/a	X31/a	X31/a
شاخص ارزهای ملی	X32/a	X32/a	X32/a	X32/a	X32/a	X32/a	X32/a	X32/a	X32/a	X32/a	X32/a	X32/a
شاخص ارزهای بیگانه	X33/a	X33/a	X33/a	X33/a	X33/a	X33/a	X33/a	X33/a	X33/a	X33/a	X33/a	X33/a



University of Guilan (Guilan, Iran), Sep 1989, World Bank (1989)

اقدام جدول ۳.

19۸۹	198۸	19۸۷	19۸6	1۹۸۵	19۸4	1۹۸۳	19۸۲	19۸۱	19۸۰	1۹۷۵	1۹۷۰
۲۵/۳/۸	2۵/۵	2۳/۳	2۷/۳	2۶/۱	۲4/۸	۲۱/۸	2۱/۳	2۲/۸	2۲/۸	2۱/۳	2۰/۸
2۰۰/۵	۲1	21/۳	2۳	2۱/۸	2۵/۸	2۵/۸	2۵/۸	2۵/۸	2۵/۸	2۵/۸	2۵/۸
21/۵	21	21/۱	22/۳	2۳/۸	21/۳	21/۳	21/۳	21/۳	21/۳	21/۳	21/۳
21/۱/۹	21۳	2۵	2۵/۳	2۵/۳	21۵/۹	21۳	21۳	21۳	21۳	21۳	21۳
21۵/1	2۳1/1	2۳۳/۹	211/۸	21۰/1	21۳/۸	21۳	21۳	21۳	21۳	21۳	21۳
23۳/۳	231/۵	23۵/۸	21۳/1	2۳۳/۸	21۳	21۳	21۳	21۳	21۳	21۳	21۳



(۱) تمام اعداد بر حسب درصد
 (۲) این سری زمانی برای دوره‌های مورد بررسی دارای روندهای نزولی و صعودی مشخص است.
 (۳) اعداد داخل پرانتز نشان‌دهنده درصد تغییرات در مقادیر است.
 (۴) اعداد داخل پرانتز نشان‌دهنده درصد تغییرات در مقادیر است.
 (۵) اعداد داخل پرانتز نشان‌دهنده درصد تغییرات در مقادیر است.
 Government of Ghana (Various Years); World Bank (1989), author's calculations.

جدول ۴. موازنه پرداختهای کشور فضا طی سالهای ۱۹۸۰-۱۹۸۹

عنوان	۱۹۸۰	۱۹۸۱	۱۹۸۲	۱۹۸۳	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۶	۱۹۸۷	۱۹۸۸	۱۹۸۹
حساب جاری	۷۸	-۴۱۱	-۹۱	-۱۵۸	-۱۱۱	-۱۵۷	-۵۵	-۱۰۳	-۱۰۱	-۹۷
صادرات (توب)	۱۱۰۱	۷۱۱	۹۱۱	۴۳۹	۵۱۷	۶۳۳	۷۲۹	۸۱۱	۸۸۱	۸۰۸
واردات (سلف)	-۸۷۳	-۸۳۱	-۳۳۱	-۵۳۹	-۳۸۱	-۲۲۹	-۸۰۵	-۱۰۳۵	-۱۰۵۸	-۱۱۰۳
بهره برداشتی	-۸۱	-۸۲	-۸۱	-۸۲	-۷۹	-۱۰۳	-۱۰۱	-۱۲۲	-۱۲۷	-۱۱۰
نقل و انتقالات دولتی	۸۳	۸۷	۸۱	۷۲	۱۰۳	۱۰۵	۱۱۸	۱۲۲	۱۷۲	۲۱۹
نقل و انتقالات خصوصی	-۳	-۱	-۱	۱۷	۷۳	۳۳	۷۱	۲۰۴	۱۷۲	۲۰۴
حساب سرمایه	-۱۹	۱۷۱	۱۰۱	-۸۵	۱۵۸	۴۱	۷۸	۲۱۰	۲۲۹	۲۲۹
سرمایه خصوصی	۰	-۱۲	-۵	۱۲	۱	۶	۷	۲	۱	۱۲
سرمایه دولتی	۸۳	۱۱۱	۱۱۳	۱۸	۱۷۳	۳۳	۱۲۳	۲۱۸	۲۸۷	۲۹۲
سایر	-۱۲	۲۵۰	-۲۷	۲۱۳	-۳۷	۱۱۶	۵۷	-۱۳۹	-۱۳۵	-۱۲۸
معدول بین‌النقش پولی	۳۹	-۱۲	-۵	۲۵۹	۲۱۱	۱۲۲	۱۹	-۲۵	-۱۶	۱
سایر	-۱۳	۳۶۲	-۴۲	-۱۹	-۲۵۱	-۹	۲۱	-۱۱۱	-۳۹	-۱۳۲

در کشور غنا، میزان کمکهای خارجی احتمالاً به صورت دایمی افزایش می‌یابد (دست کم به مدت قابل توجهی ادامه دارد). همان طور که جدول ۲ نشان می‌دهد با وجود افزایشهای کلان در میزان کمکهای طی سالهای اخیر، در حال حاضر دولت غنا در مقابله با سایر کشورهای آفریقای تنها میزان متوسطی از کمکهای توسعه را دریافت می‌نماید. از این رو ممکن است چنین نتیجه‌گیری شود که جریان کمکهای خارجی در آینده کاهش خواهد یافت، یعنی شوک دایمی است و از این رو سیاست مناسب عبارت است از جذب این درآمدهای ناشی از شوک از طریق افزایش واردات. در یک اقتصاد توأم با تجارت آزاد، این مسئله می‌تواند نیازمند افزایش نرخ واقعی ارز باشد. البته به میزانی که کنترل بر واردات یا ارز خارجی وجود داشته باشد، دولت می‌تواند نرخ واقعی ارز رسمی را ثابت نگاه داشته و کنترلها را حذف نماید و لذا به جای بالا بردن نرخ ارز موجب افزایش تقاضای واردات ناشی از آزادسازیها شود. این در واقع سیاستی است که طی چهار سال گذشته در غنا به اجرا درآمده است. از سال ۱۹۸۶ نرخ واقعی ارز تقریباً ثابت مانده است (جدول ۵) در حالی که کنترل بر واردات بتدریج حذف شده است. اما وجود تورم پایدار در غنا به رغم وجود سیاست انقباضی اعتبارات داخلی حاکی از آن است که پاکتلهای اعمال شده بر واردات به طور مناسب و کافی حذف نگردیده، یا آنکه نرخ رسمی ارز با سرعت بیش از حد لازم کاهش یافته است. نا به حال مسئولان امر از طریق کاهش ارزش اسمی نرخ ارز همگام با نرخ تورم، مانع از بالا رفتن نرخ واقعی ارز رسمی شده‌اند. اما طبق گفته آدامز^۱ و گراس^۲ (۱۹۸۶) تلاش در جهت تثبیت نرخ ارز از این طریق موجب می‌گردد که اقتصاد در برابر شوکهای واقعی (از قبیل ورود سیل عظیم کمکهای ارزی به کشور) بی‌دفاع و ناتوان بماند.^(۷) عدم درک چنین فرایندی می‌تواند به رغم وجود سیاست محدودیت اعتبارات موجب بروز تورم پایدار در داخل کشور گردد. از آنجا که روند آزاد سازی واردات در غنا تقریباً به انعام رسیده است، در پاسخگویی به افزایشهای آتی در جریان خالص سرمایه، ارزش واقعی نرخ ارز رسمی باید بالا رود و به این منظور بهتر است به جای دامن زدن بر تورم داخلی ارزش اسمی نرخ ارز افزایش یابد. اغلب اقتصاددانان بین‌المللی که در آفریقا فعالیت می‌کنند به این نتیجه رسیده‌اند که تنها یک روش مناسب برای تغییر

جدول ۵. نرخ واقعی مؤثر ارز در غنا طی سالهای ۱۹۸۰-۱۹۸۹

شاخص قیمت کالاهای مصرفی فنا/نرخ متوسط ارز/شاخص وزن قیمت کالاهای مصرفی شرکای تجاری (۱۹۸۰-۱۹۹۰)	سال
۱۰۰	۱۹۸۰
۲۲۶	۱۹۸۱
۲۸۶/۵	۱۹۸۲
۱۶۸/۴	۱۹۸۳
۶۹/۹	۱۹۸۴
۵۱/۹	۱۹۸۵
۳۰/۵	۱۹۸۶
۲۷/۹	۱۹۸۷
۲۷/۲	۱۹۸۸
۲۷/۲	۱۹۸۹
۲۸/۲	۱۹۹۰

مأخذ: World Bank Staff estimates (personal communication).

نرخ ارز وجود دارد و آن کاهش نرخ ارز است، زیرا نرخ رسمی ارز در واقع متفاوت از نرخ تعادلی ناشی از تجارت آزاد می باشد. اما در حال حاضر وضعیت در کشور غنا به گونه ای دیگر است.^(۸) از جمله دلایلی که از جانب توصیه کنندگان این روش آورده می شود آن است که میزان موفقیت دولت از لحاظ ذخایر ارزی ضعیف است. این به نوبه خود نیازمند یک دوره موفقیتی است که طی آن دولت بیش از آنکه مازاد درآمدهای خود را هزینه نماید، اقدام به پس انداز و در نتیجه انباشت ارز خارجی کند.^(۹) (جذب میزان ارز خارجی افزایش یافته از طریق انباشت دائمی ذخایر معقول

نمی‌باشد). این مسئله نیز حاکی از آن است که طی دوره‌ای که انباشت ذخایر صورت می‌گیرد، لزوماً نرخ تعادلی ارز افزایش نمی‌یابد. این موضوع به تفصیل در بحث مربوط به استراتژیهای مطلوب پس‌انداز در مواجهه با شوکهای موقتی خواهد آمد.

در صورتی که دولت پیش‌بینی نماید که انتقال بخشی از سرمایه‌ها به شکل موقتی صورت می‌گیرد، باید تلاش کند تا سرمایه‌های مزبور به جای آنکه هزینه گردند، پس‌انداز شوند.^(۱۰) البته در عمل این واقعیت که دریافت‌کننده بخش عمده‌ای از این سرمایه‌ها خود دولت است راه‌حل مزبور را تسهیل می‌نماید. از این رو، مسئولان امر نباید نگران ایجاد انگیزه در بخش خصوصی جهت انباشت داراییها باشند که با توجه به موقعیت ابتدایی بازارهای سرمایه در غنا می‌نوانست دشوار باشد، و همچنین دلایلی خوبی در دست است که نشان می‌دهد عدم برخورداری از بازارهای فعال مالی در داخل کشور اجازه نمی‌دهد تا حساب سرمایه قابلیت انتقال بیابد.

بنابراین در زمان مواجهه با درآمدهای بادآورده‌ای که به طور موقت سرازیر می‌شود باید برای تعیین بهترین گزینه سرمایه‌گذاری تصمیم‌گیری شود. این گزینه‌ها عبارتند از: سرمایه‌گذاری در داراییهای خارجی، داراییهای عمومی داخلی یا داراییهای داخلی مربوط به بخش خصوصی. در بسیاری موارد اولین گزینه آسانترین و عملی‌ترین گزینه است. زیرا در آن صورت نه تنها درآمدهای موقتی را ذخیره می‌نماید بلکه این کار را به گونه‌ای انجام می‌دهد که تأثیری بر تقاضای کل نداشته باشد، به این ترتیب که اعتبار ایجاد شده در حساب سرمایه به طور مستقیم یا ایجاد همان میزان بدهی (یعنی انباشت داراییهای خارجی) خنثی می‌شود، و در نتیجه تقاضای جدید برای کالاهای داخلی ایجاد نخواهد شد. به علاوه این عمل موجب خواهد گردید ذخایر ارزی دولت به میزانی که قبل از مواجهه با درآمدهای ناگهانی از موقعیت ضعیفی برخوردار بود، بتواند به راحتی بازسازی شود.

البته در برخی موارد احتمال می‌رود که انباشت داراییهای خارجی دشوار یا نامطلوب باشد. از آنجا که جریان انتقال سرمایه که منشأ بحران کشور غنا محسوب می‌شود، عمدتاً از جانب دولتها و مؤسسات اعتبار دهنده تأمین می‌گردد، دولت قادر نخواهد بود سرمایه‌های مزبور را جهت خرید داراییهای خارجی به کار گیرد.^(۱۱) اما دولت همچنین میزان قابل توجهی ارز خارجی نیز از سایر منابع دریافت می‌نماید (برای مثال از طریق صدور کاکائو) که می‌تواند در جهت پس‌انداز به کار

برد. با وجود این انباشت ذخایر به صورت ارز خارجی ممکن است در مقابل گزینه‌های سرمایه‌گذاری داخلی با نرخهای بازگشت بالاتر نسبت به نرخهای پیشنهادی برای خرید داراییهای خارجی، کمتر مورد توجه قرار گیرد. در صورتی که این سرمایه‌گذاریها شامل سرمایه‌گذاریهای معقول بخش دولتی (برای مثال سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی یا آموزش) باشد، برای دولت بسیار منطقی خواهد بود که از درآمدهای بادآورده، خویش برای تأمین مالی سرمایه‌گذاریهای داخلی بهره‌جوید. از سوی دیگر، اگر سرمایه‌گذاریها توسط بخش خصوصی و در بخشهای تولیدی صورت گیرد، بخش دولتی باید سرمایه‌های فوق‌را از طریق نظام مالی به صورت تسهیلات اعطایی به بخش خصوصی واریز نماید. در هر صورت نرخ واقعی ارز به میزانی که فشار تفاضلی سرمایه‌گذاری برای کالاها و خدمات داخلی وجود دارد، افزایش خواهد یافت و سیاستگذاران نیز باید پذیرای چنین امری باشند. همان‌گونه که در آغاز بحث اشاره شد، ممکن است یک افزایش اسمی در نرخ ارز (یا کاهش نرخ ارز به طور تدریجی) به مراتب مطلوبتر از افزایش تورم داخلی باشد.

در کشور غنا واکنش دولت نسبت به کمکهای اعطایی ترکیبی بوده است از سیاستهای پس‌انداز ارز (هم به صورت ایجاد ذخایر و هم پرداخت دیون)، تسهیلاتی که در اختیار نظام بانکی قرار داده می‌شود و افزایش هزینه‌های دولتی به ویژه در زمینه طرحهای توسعه. در این بخش از مقاله در زمینه میزان سرمایه‌های اختصاص یافته برای اجرای هر یک از سیاستهای فوق بحث خواهیم کرد. در واقع به این پرسش خواهیم پرداخت که درآمدهای بادآورده چگونه درون اقتصاد غنا توزیع شده است، و اینکه چه مقدار از مخارج سرمایه‌گذاری دولتی، سرمایه‌گذاری حقیقی محسوب می‌شود (در برابر مصرف). در حالی که احساس می‌کنم مجال برای بحث و حصول نتیجه، در هر دو زمینه فوق وجود دارد اما استدلال در مورد پرسش دوم مشکل است، در نتیجه تنها به بررسی سؤال اول می‌پردازم.

جدول ۶ آمار مربوط به فعالیتهای مالی دولت غنا را بدون در نظر گرفتن وامهایی که در چارچوب پروژه‌های خاص اعطا شده است به همراه حسابهای مربوط به آنها نشان می‌دهد.^(۱۲) به آسانی مشاهده می‌گردد که تغییرات عمده در سیاستهای مالی دولت با توجه به کمکهای اهدایی به جای دستیابی بر مقداری مازاد بودجه، دولت را با کسر بودجه مداوم مواجه ساخته است. با توجه

به بحث قبلی می‌توان این پدیده را چنین بیان نمود که از حدود ۵ تا ۶ درصد محصول ناخالص داخلی که به طور دایمی و به صورت کمک به خزانه دولت واریز می‌شود، کمتر از یک درصد به صورت بازپرداخت پدمی یا سپرده‌های بانکی به نظام مالی هدایت می‌شود و باقیمانده به مصرف بخش دولتی می‌رسد، صرف نظر از موقتی یا دایمی بودن جریان کمکها، این نوع توزیع می‌تواند سزال برانگیر باشد.

مطالعه نوشتارهای اقتصادی در خصوص بیماری هلندی یک نتیجه‌گیری کلی را نشان می‌دهد و آن این است که به رغم درآمدهای کسب شده در یک بخش اقتصادی که با خوش اقبالی مواجه گردیده، سایر بخشهای اقتصادی ممکن است متضرر شوند. در مورد غنا بخش دولتی دریافت کننده درآمدهای ناگهانی بوده و با استفاده از تورم مداوم و نیز سیاست پولی انقباضی که اعتبارات داخلی را به شدت محدود کرده و در نتیجه میزان سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد، توانسته است بخش خصوصی را از صحنه فعالیتها خارج سازد. از این رو در صورتی که اقتصاد غنا بخواهد به رشد خویش ادامه دهد باید موجب تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی گردد. در حالی که سیاستهای اصلاح مالی مثبت بوده و بسیاری از سرمایه‌گذارهای دولتی در بخش زیربنایی در جهت بهبود وضع اقتصادی ضروری بوده است، اما دولت هنوز از تأمین مناسب و کارآیی خدمات عمومی ناتوان است. جریان شدید کمکهای پولی که موجب کاهش ارائه خدمات اجتماعی دولت به دلیل افزایش هزینه‌های دولتی در بودجه شده است، موقعیت مالی دولت را مستحکم‌تر از آنچه در واقعیت می‌باشد جلوه گر می‌سازد.

البته این به معنای کوچک شمردن تلاشها و اقدامات دولت غنا طی هشت سال گذشته نیست. مسئولان کشور توانسته‌اند سیاستهای مهمی را با وجود جز نامساعد سیاسی اتخاذ نمایند. از جمله این سیاستها می‌توان از کاهش شدید کمکهای بلاعوض دولت به مؤسسات دولتی، بیکار نمودن دهها هزار نفر از کارکنان بخش دولتی، و همچنین اصلاحات اساسی در نظام مالیاتها که موجب افزایش درآمدها به حدود ۱۰ درصد محصول ناخالص داخلی گردیده است، نام برد. در عین حال بازگو کردن مشکلات حاد در سالهای گذشته نباید موجب نادیده انگاشتن سیاستهای لازم‌الاجرا در آینده شود. انقباضی تر نمودن سیاستهای مالی و تغییرات لازم در مدیریت اعمال شده بر کمکهای خارجی، از جمله سیاستهایی است که در آینده باید مورد توجه بیشتر قرار گیرد.

جدول ۱. عملکرد مالی دولت فضا، با و بدون احتساب پروژه‌هایی که با استفاده از کمک‌های تأمین اعتبار شده‌اند (۱۹۸۲-۱۹۸۹)

	۱۹۸۹	۱۹۸۸	۱۹۸۷	۱۹۸۶	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۳	۱۹۸۲
نسبت کارانه به محصول ناخالص داخلی								
نسبت به طور استاندارد ^۱	۰/۰۰۷	۰/۰۰۱	۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	-۰/۰۲۲	-۰/۰۱۸	۰/۰۲۷	-۰/۰۹۱
با احتساب درآمد پروژه‌ها ^۲	-۰/۰۲۱	-۰/۰۲۸	-۰/۰۲۱	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳			
بدون احتساب کمک و درآمد پروژه‌ها ^۳	-۰/۰۵۱	-۰/۰۳۳	-۰/۰۵۱	-۰/۰۵۵	-۰/۰۱۱			
نسبت درآمد به محصول ناخالص داخلی								
نسبت به طور استاندارد ^۴	۰/۱۵۱	۰/۱۲۹	۰/۱۲۹	۰/۱۲۲	۰/۱۱۸	۰/۰۸۱	۰/۰۵۹	۰/۰۹۱
با احتساب درآمد پروژه‌ها ^۵	۰/۱۲۷	۰/۱۲۰	۰/۱۲۷	۰/۱۵۱	۰/۱۱۱			
بدون احتساب کمک و درآمد پروژه‌ها ^۶	۰/۱۲۳	۰/۱۳۵	۰/۱۲۱	۰/۱۲۳	۰/۱۱۳			
نسبت هزینه جاری به محصول ناخالص داخلی ^۷	۰/۱۱۱	۰/۱۰۸	۰/۱۱۲	۰/۱۱۹	۰/۱۱۲	۰/۰۸۹	۰/۰۷۱	۰/۰۸۳
نسبت هزینه سرمایه به محصول ناخالص داخلی								
نسبت به طور استاندارد ^۸	۰/۰۳۲	۰/۰۳۱	۰/۰۳۱	۰/۰۲۱	۰/۰۲۷	۰/۰۱۵	۰/۰۱۹	۰/۰۱۱
با احتساب درآمد پروژه‌ها ^۹	۰/۰۰۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۹	۰/۰۰۳	۰/۰۲۲			

۱. این مقیوس بدون احتساب هزینه‌ها و درآمدهای مربوط به تمام پروژه‌هایی است که با استفاده از کمک‌های تأمین اعتبار می‌شوند، اما احتسابی را که به عنوان درآمد این پروژه‌ها تلقی نمی‌شوند در برمی‌گیرد.

۲. این مقیوس شامل تمام هزینه‌های پروژه‌ها به عنوان هزینه و کلیه درآمدها (پروژه‌ای و غیر پروژه‌ای) به عنوان درآمد می‌باشد.

۳. این مقیوس تمام پروژه‌هایی را که تأمین مالی آنها توسط کمک‌های صورت می‌گیرد به عنوان هزینه در نظر گرفته بدون آنکه درآمدها و اعتبارات را به عنوان درآمد تلقی کند.

۴. شامل کارایی خاص.

۵. شامل وام‌دهی خاص.

اگرچه حجم فعالیتهای دولت در سالهای اخیر گسترش یافته است و مطمئناً برخی از اقلام هزینه‌ها نیز در بودجه غنا غیر ضروری می‌باشد، در مجموع به سختی می‌توان گفت که سطح عمومی هزینه‌های دولتی بسیار بالاست، زیرا حتی با در نظر گرفتن پروژه‌هایی که توسط شرکتهای خارجی تأمین مالی می‌شوند هنوز هزینه‌های دولتی سهمی کمتر از ۲۰ درصد محصول ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهند. بنابراین می‌توان گفت که وجود ۸۰ درصد تقاضای کل جامعه توسط بخش خصوصی است که موجب بروز مشکلات گردیده است. هنگامی که دولت اجازه می‌دهد تأمین مالی هزینه‌های داخلی توسط کمکهای خارجی صورت گیرد موجب می‌شود تا با تبدیل دلار به پول محلی سدی، پایه پولی کشور افزایش یابد. دولت با محدود نمودن رشد عرضه پول به منظور پایین نگه داشتن سطح تورم، یک سیاست انقباضی اعتبارات داخلی را دنبال نموده است. اما گسترش حجم فعالیتهای دولت عمدتاً به بهای کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی صورت گرفته است و دقیقاً این همان بخش از محصول ناخالص داخلی است که نیاز به رشد خود اتکا در آینده دارد. (۱۲)

به منظور اصلاح این وضعیت، دولت باید شیوه‌های اتخاذ شده خویش برای خارج نمودن بخش خصوصی از فعالیتهای تغییر دهد. به این معنا که باید روشهایی برای افزایش درآمد به صورت وضع مالیاتها اتخاذ کند که در میزان انگیزه بخش خصوصی برای فعالیتهای چندانی نداشت باشد (از قبیل مالیات بر درآمد با مالیات بر ارزش افزوده)، و در این صورت به جای آنکه سیاست انقباضی اعتبارات موجب کاهش میزان سرمایه‌گذاری شود، میزان مخارج بخش خصوصی به طور کلی محدود می‌گردد. این به معنای آن است که در عمل به جای هدف قرار دادن دستیابی به یک بودجه متوازن بدون احتساب کمکها، بسیار معقول‌تر خواهد بود که یک بودجه متوازن با احتساب کمکها به عنوان هدف تعیین گردد و میزان تفاوت درآمدها به کمک مالیاتهای بیشتر جبران شود. در این صورت دولت می‌تواند حجم بیشتری از سرمایه‌ها - مثلاً ۳ تا ۵ درصد محصول ناخالص داخلی - را به نظام مالی هدایت نماید. این حرکت به سوی اتخاذ ترکیبی از دو سیاست مالی انقباضی‌تر توأم با سیاست پولی انبساطی‌تر موجب تشویق بیشتر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌گردد. (۱۱)

۳. نتیجه

کاملاً آشکار است که افزایش شدید در میزان کمکهای توسعه که توسط سازمانهای جهانی به کشور غنا اعطا گردیده به معنای حمایت از سیاستهای مالی و نیز برنامه تعدیل اقتصادی با جهتگیری بازار می‌باشد. البته جریان کمکهای اهدایی به غنا از طریق بالا بردن تقاضای کل و افزایش نسبی میزان ارز خارجی در تضاد با برخی از اهداف سیاستهای اصلاحی در سالهای اخیر قرار گرفته است. اقدامات مسئولان کشور غنا در مقابله با تقاضای کل افزایش یافته، عمدتاً به وسیله اجرای سیاست اقتباضی پولی موجب کمبود شدید اعتبارات در دسترس و در نتیجه خروج بخش خصوصی از جریان سرمایه گذارها گردیده است. در مواجهه با جریان شدید سرمایه تلافی‌جویی که دولت در ثبت نگه داشتن نرخ واقعی ارز صورت داده موجب افزایش نورم گردیده است.

از بررسی حاضر ممکن است این نتیجه حاصل شود که در واقع کمکهای اهدایی به غنا برای اقتصاد کشور مفید واقع نگردیده است در حالی که این یک نتیجه گیری صحیح نیست. تا جایی که کمکهای خارجی به صورت مداوم و مطلقاً قابل پیش بینی صورت گیرد دلیلی ندارد که از مزایای این کمکها استفاده نشود. (۱۵) اما به هر ترتیب باید مسئله قیمت‌های نسبی و توزیع تقاضای کل را در نظر داشت. از آنجا که معمولاً کمکها به دولت‌ها پرداخت می‌شود، افزایش حجم این کمکها نشاندهنده افزایش سهم دولت در محصول ناخالص داخلی و حذف سایر مخارج خواهد بود مگر آنکه اهداف مورد نظر در سیاستهای مالی به نحو مطلوبی تعدیل گردد. برای کشوری که تلاش زیادی نموده است تا از کسر بودجه‌ای معادل ۱۰ تا ۱۵ درصد محصول ناخالص داخلی (بدون احتساب کمکها) به کسر بودجه صفر برسد، ممکن است بی‌مورد به نظر آید اگر بگوییم بسیار خوب، حالا هدف ما رسیدن به ۴ درصد مازاد در بودجه می‌باشد. اما این دقیقاً همان چیزی است که دولت غنا باید انجام دهد، در صورتی که بتواند موتور رشد اقتصادی را از طرحهای اصلاحی در بخش دولتی به سرمایه گذارهای مولد در بخش خصوصی بکشد.

یادداشتها

۱. اگرچه زمان به کار رفته در این مقاله، زمان حال است اما اطلاعات و شرایطی که در متن آمده تنها مربوط به اواسط سال ۱۹۹۰ می باشد. ممکن است تا زمان انتشار این مقاله، مسئولان برخی از مشکلات یاد شده را رفع نموده باشند. اما به هر حال کشور غنا می تواند به عنوان یک مورد قابل بررسی، مورد توجه سیاستگذاران سایر کشورها قرار گیرد.
۲. ممکن است همچنین جریان سرمایه به صورت انتقال سرمایه های بخش خصوصی به داخل باشد، اما نمی توان در این زمینه اظهار نظر قطعی کرد. ارقام مربوط به موازنه پرداختها از اوایل سال ۱۹۸۷ حاکی از افزایش قابل توجهی در سرمایه های خصوصی به صورت حواله یا بازگشت سرمایه های خارج شده، می باشد. متأسفانه این امر ممکن است به دلیل یک تغییر حسابداری باشد. هنگامی که دولت شروع به دادن مجوزهای واردات به میزان نامحدود به واردکنندگانی نمود که ارز مورد نیاز شویس را خود تأمین می نمودند، مسئولان گزارش دادند با افزایش چشمگیری در واردات مواجبه شده اند که به تصور آنها از طریق حواله های ارزی تأمین مالی شده بود. در نتیجه از اوایل سال ۱۹۸۷ میزان حجم این حواله های ارزی همراه با میزان واردات در حساب موازنه پرداختها به طور قابل توجهی افزایش یافت. اما این در حالی بود که واردات می توانست به صورت غیرقانونی و قبل از اجرای قانون مزبور صورت گرفته باشد. بنابراین تعیین سهمی از وجوه ارزی ارسال شده که بتوان به عنوان انتقالهای جدید سرمایه ای از آنها نام برد دشوار است.
۳. برای توضیح بیشتر در مورد بیماری هلندی مراجعه کنید به: گوردون و نبری (Gordon & Neary, 1982)، و در زمینه اثرات اقتصادی در سطح کلان بخشهایی که به طور موقت رشد سریعی یافته اند نگاه کنید به: کادینگتون (Cuddington, 1989) یا هیل و ماگسی (Hill & Mokgethi, 1989).
۴. سقف اعتبارات همچنین می تواند واکنش نظام بانکی به سیاست آزادسازی مالی را توجیه نماید. برای توضیحات بیشتر رجوع کنید به: یانگر (Younger, 1991).
۵. بدآ پیدایش اصطلاح بیماری هلندی، بحثهای مربوط به کشف ذخایر عظیم گاز طبیعی در هلند می باشد.
۶. از آنجا که خواننده، ممکن است مفهوم این بند از مقاله را تفسیر نادرست بنماید باید میان شرایطی که در آنها نرخ ارز آشکارکننده قیمتهای واقعی بازار نمی باشد، و حالتی که می باشد، تمایز قایل شد. در بسیاری از کشورهای آفریقایی، از جمله غنا پیش از سه ساله اخیر، نرخ ارز به طور شدیدی افزایش یافته و کنترلهای کمی بر واردات به خوبی وضعیت بازار را روشن می کند. در چنین شرایطی، ارزش کمیایی ارز خارجی برای وارد کنندگان بیش از نرخ رسمی ارز (شامل قیمت رسمی ارز خارجی و هزینه ناشی از کنترلهای اعمال شده بر واردات) می باشد. در نتیجه کاهش نرخ برابری ارز تأثیری در ارزش کمیایی نرخ ارز برای واردکنندگان (که توسط کنترلهای بر واردات تعیین ارزش می گردد) نخواهد داشت و این کاهش ارزش نرخ ارز می تواند به عنوان یک جزء کاملاً منطقی از یک برنامه تدریجی تعدیل اقتصادی در جهت تطابق و همگامی نرخ ارز با تورم تلقی گردد. از این رو، در بسیاری از کشورهای آفریقایی به رغم وجود جریان شدید انتقال سرمایه، سیاست کاهش نرخ ارز می تواند اعمال شود.

از سوی دیگر، در صورتی که نرخ رسمی ارز نشاندهنده نرخ واقعی در بازار ارز خارجی باشد (زیرا تجارت تقریباً نامحدود است)، برای جلوگیری از تورم در صورت وجود جریان شدید انتقال سرمایه به داخل، باید نرخ ارز افزایش یابد. با توجه به شدت آزادسازی واردات و قوانین ارزی که در کشور غنا اجرا شده است، به نظر می‌آید که حالت اخیر بیشتر با شرایط جاری این کشور مطابقت دارد.

۷. در صورتی که افزایش جریان سرمایه انتقال یافته در جهت تأمین واردات به کار نروده موجب افزایش عرضه پول خواهد گردید. در نتیجه قیمت‌های داخلی افزایش خواهد یافت و از این رو دولت به کمک کاهش نرخ اسمی ارز، نرخ واقعی ارز را ثابت نگه می‌دارد. سرمایه‌ها مرتباً به داخل جریان می‌یابند، افزایش قیمت‌ها ادامه پیدا می‌کند و هیچ عاملی نمی‌تواند این فرایند را متوقف سازد. حتی در صورتی که برای ثابت نگه‌داشتن عرضه پول، حجم اعتبارات داخلی محدود گردد، مقدار آن به نقطه زیر سفره که در آن جریان ارز خارجی سبب افزایش عرضه پول می‌شود، نخواهد رسید.

۸. افراد متعددی بیان نموده‌اند از آنجا که نرخ تورم سالانه در غنا حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد است به راحتی از طریق ثابت نگه‌داشتن نرخ اسمی ارز، دولت می‌تواند موجب بالا رفتن نرخ واقعی ارز به میزان قابل توجهی گردد. از نظر تئوری، اگر جریان انتقالی ارز خارجی تعاضل بروز تورم داخلی باشد، یک افزایش اسمی در نرخ ارز موجب کاهش تورم به حدود صفر می‌گردد. اما البته مطمئناً عوامل دیگری هستند که دست کم در کوتاه مدت به افزایش قیمت‌ها در کشور غنا کمک می‌کنند، مانند مشکلات خاص ناشی از اجرای سیاست‌های مالی، و بنابراین شاید یک افزایش اسمی نرخ ارز در این مورد نتواند برای رسیدن به هدف کافی باشد.

۹. اثبات ذخایر ارزی در بانک مرکزی به تنهایی ممکن است به عنوان یک اقدام ناکافی تلقی گردد. در صورتی که مازادی وجود نداشته باشد، اگر دولت پس انداز ارزی نماید اثبات ذخایر ارزی از طریق خارج نمودن پس اندازها از بخش خصوصی صورت می‌گیرد. در غنا غالباً به دلیل تورم بالا و مالیات‌های سنگین از واسطه‌گران مالی چنین پدیده‌ای به چشم می‌خورد.

۱۰. در صورتی که تصور من درباره دایمی بودن جریان کمک‌ها درست باشد، این حالت وجود خواهد داشت. همچنین به میزان شدت وجود جریان انتقال سرمایه‌های بخش خصوصی و قابلیت انتقال درآمدهای داخلی به خارج ممکن است میزان کمک‌ها در آینده کاهش یابد.

۱۱. در صورتی که یک دولت خارجی برای جاده سازی وام پرداخت می‌نماید، چندان جالب نخواهد بود که به جای اتخاذ سیاست‌های مناسب کلان اقتصادی، کشور وام‌گیرنده، این منابع مالی را در خرید اوراق خزانه‌داری آمریکا صرف نماید. اگرچه باید زمانبندی مربوط به هزینه نمودن این گونه وام‌ها با مذاکره طرفین تعیین شود، اما بسیاری از واحدهای دولتی که چنین کمک‌های را اهدا می‌کند، در مقابل هزینه‌های آبی، خود را هم اکنون متعهد نخواهند ساخت. مهمتر آنکه، در صورتی که کمک‌دهندگان بدانند کشور کمک‌گیرنده منابع مالی را به صورت ذخایر عظیم ارزی پس انداز نموده است، کمتر مالی به ادامه کمک به غنا خواهند بود. این مسئله دولت غنا را در موقعیت دشواری قرار می‌دهد. به این معنا که گرچه ابلهانه خواهد بود اگر منابع رایگان پولی را قبول نکنیم حتی اگر جریان پولی به صورت موقتی باشد، اما جریان شدید انتقال سرمایه در صورت عدم مدیریت صحیح موجب بروز مشکلات کلان اقتصادی خواهد گردید، همان گونه که در غنا

شاهد بوده‌ایم.

۱۲. همین واهما و کمکها بخش وسیعی از بحران انتقالات سرمایه‌های خالوجی می‌باشند که پیش از این در مورد آنها صحبت شده است.

۱۳. در کنفرانس اخیر بانک جهانی در زمینه اثرات کلان اقتصادی کسر بودجه بخش دولتی، (Islam & Wetzel, 1991) بیان داشت‌اند که هزینه‌های بخش دولتی در غنا غالباً به بهای خارج نمودن سرمایه‌گذارهای بخش خصوصی صورت گرفته است. استرلی و اسمیت - هیل (Easterly and Schmidt-Hebbel, 1991) در ضمیمه پایانی کنفرانس مزبور اعلام نموده‌اند که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه سرمایه‌گذارهای بخش دولتی به بهای حذف سرمایه‌گذارهای بخش خصوصی صورت گرفته است.

۱۴. آگاهی از برنامه دولت در خصوص آژانس‌سازی مالی در این زمینه مفید خواهد بود (نگاه کنید به: Younger, 1991).

۱۵. در صورتی که دولت بتواند میان پس انداز و مصرف موازنه مناسب برقرار کند، به طوری که قادر باشد از ایجاد بحرانهای دردهای ناشی از انتقالات سرمایه‌های خارجی جلوگیری نماید، حتی کمکهای پیش‌بینی نشده نیز می‌تواند مفید باشد.

منابع

- Adams, Charles, and Daniel Gros, "The consequences of real exchange rate rules for inflation: Some illustrative examples," *IMF Staff Papers*, Vol. 33, No. 3 (September 1986), pp. 439-475.
- Akterman, Harold, *Downfall and Economic Recovery in Ghana: Impacts on the Poor*, Cornell Food and Nutrition Policy Program Monograph No. 10 (Ithaca, NY: Cornell Food and Nutrition Policy Program, 1991).
- Cordon, W. M. and J. P. Neary, "Booming Sector and Decindustrialization in a Small Open Economy," *Economic Journal*, Vol. 92, No. 368 (December 1982), pp. 825-848.
- Cudington, John T., "Commodity Export Booms in Developing Countries," *World Bank Research Observer*, Vol. 4, No. 2, (July, 1989), pp. 143-165.
- Easterly, William, and Klaus Schmidt-Hebbel, "The macroeconomics of public sector deficits: A synthesis," *Mimeo* (Washington, DC: The World Bank, June 1991).
- Government of Ghana, *Quarterly Digest of Statistics* (Accra: Government of Ghana Printing Office, various years).
- Hill, Catherine, and D. N. Mankgathi, "Botswana: Macroeconomic management of commodity booms, 1975-1986," in *Successful Development in Africa* (Washington, DC: Economic Development Institute, The World Bank, 1990).
- International Monetary Fund, *International Financial Statistics Yearbook* (Washington, DC: International Monetary Fund, various years).
- International Monetary Fund, "Recent economic developments — Ghana," *Mimeo* (Washington, DC: International Monetary Fund, 1989).
- Islam, Rumeen, and Deborah L. Wetzel, "The macroeconomics of public sector deficits: A case study of Ghana," *Mimeo* (Washington, DC: The World Bank, June 1991).
- Rimmer, D., *Prices, Equity, and Growth in Ghana: 1961-1988* (Elmsford, NY: Pergamon Press, 1990).
- World Bank, "Ghana: Progress of Adjustment," Report Number 9475-GI (Washington, DC: The World Bank, 1991).
- World Bank, *World Development Report* (New York: Oxford University Press, 1991b).
- World Bank, *World Tables* (Washington, DC: The World Bank, 1991c).
- World Bank, "Ghana: Structural adjustment for growth," Report number 7515-GI (Washington, DC: The World Bank, 1989).
- World Bank/UNDP, *Africa Economic and Financial Data* (Washington, DC: The World Bank, 1989).
- World Currency Yearbook (New York: Plick Publishing Corporation, various years).
- Younger, Stephen D., "Monetary management in Ghana," Cornell Food and Nutrition Policy Program Working Paper No. 8 (Ithaca, NY: Cornell Food and Nutrition Policy Program, 1991).
- Younger, Stephen D., "Ghana's economic recovery program," in *Successful Development in Africa* (Washington, DC: Economic Development Institute, The World Bank, 1989).